

مبانی گردشگری در حقوق بین‌الملل (مطالعه موردی: حق برخورداری از محیط زیست سالم)

علیرضا معینان

دانشجوی کارشناسی حقوق، واحد گرمسار دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمد مهدی رحیمی

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

کامران جورابلو

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۸ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

چکیده

گردشگری فعالیت جهانی است که در عین برخورداری از چارچوب‌های خاص در هر کشور دارای بستری جهانی است و در این رابطه چارچوب‌های عام و جهان شمولی برای تداوم فعالیت‌های توریستی و حمایت از حقوق گردشگران وجود دارد و هدف این مقاله بررسی مبانی حقوق گردشگری با تاکید بر حق برخورداری از محیط زیست سالم است. سوال اصلی مقاله این است که در متون حقوق بین‌الملل گردشگری و مبانی آن از جمله حق برخورداری از محیط زیست سالم چگونه نگریسته شده است؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و استفاده از مقالات علمی و پژوهشی است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل یکی از مهم‌ترین دلایل رشد چشمگیر صنعت گردشگری در سال‌های اخیر بوده است. وجود برخی معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی در حوزه‌های حفاظت از مراکز و اماکن طبیعی، فرهنگی و تاریخی به منظور بهره‌برداری‌های آموزشی و اجتماعی را می‌توان یکی از روش‌های تأثیرگذاری حقوق بین‌المللی در این عرصه دانست. معاهدات و موافقتنامه‌های مذکور را می‌توان این گونه نام برد: کنوانسیون یونسکو در مورد حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (کنوانسیون حفاظت از میراث جهانی ۱۹۷۲)، کنوانسیون لاهه در مورد حفاظت از دارایی‌های فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه (۱۹۵۴)، پروتکل دوم لاهه (۱۹۹۹)، پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) در مورد حفاظت از قربانیان مخاصمات مسلحانه (۱۹۷۷).

کلمات کلیدی: حقوق بین‌الملل، گردشگری، محیط زیست، حقوق گردشگری.

مقدمه

گردشگری یا توریسم به عنوان یکی از روش‌های نوین و مؤثر کسب درآمد، در میان کشورهای دنیا اهمیت بسیار زیادی پیدا کرده است. به طوری که برای برخی کشورها که صنایع زیربنایی و منابع اولیه قدرتمندی ندارند، گردشگری به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد محسوب می‌گردد. بر اساس گزارش‌های تهیه شده توسط سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ نزدیک به ۹۸۰ میلیون نفر در جهان به کشورهای دیگری غیر از کشور متبوع خود سفر کرده‌اند. اگر جمعیت کره زمین را ۷ میلیارد نفر در نظر بگیریم، این گزارش می‌گوید که تقریباً یک هفتم جمعیت جهان در این سال سفرهای بین‌المللی داشته‌اند. در سال انتشار این گزارش پیش‌بینی شده بود که در سال ۲۰۱۲ این مقدار ۳ تا ۴ درصد افزایش پیدا کند؛ یعنی انتظار می‌رفت که حدود یک میلیارد نفر در سال ۲۰۱۲ مسافر بین‌المللی باشند. بر اساس گزارش‌هایی که در سال ۲۰۱۲ منتشر گردید، پیش‌بینی‌ها محقق شد و در این سال یک میلیارد و ۳۵ میلیون نفر به خارج از مرزهای خود مسافرت کردند. سال ۲۰۱۲ اولین سالی بود که در آن جمعیت مسافران بین‌المللی به بیش از یک میلیارد نفر رسید. آمارهای سال ۲۰۱۱ هم چنین نشان می‌داد که مبالغ هزینه شده توسط مسافران بین‌المللی همسان با ۵ درصد از مجموع درآمد ناخالص ملی تمام کشورهای دنیا بوده است. گردشگری بین‌المللی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار درآمد برای فعالان این عرصه به ارمغان آورده است. این صنعت هم چنین ۲۳۵ میلیون شغل ایجاد کرده است و ۳۰ درصد از مجموع خدمات صادراتی جهان را به خود اختصاص داده است (افتخار جهرمی، ۱۳۸۴).

بی تردید، حقوق بین‌الملل یکی از مهم‌ترین دلایل رشد چشمگیر این صنعت در سال‌های اخیر بوده است. وجود برخی معاهدات و موافقتنامه‌های بین‌المللی در حوزه‌های حفاظت از مراکز و اماکن طبیعی، فرهنگی و تاریخی به منظور بهره‌برداری‌های آموزشی و اجتماعی را می‌توان یکی از روش‌های تأثیرگذاری حقوق بین‌المللی در این عرصه دانست. معاهدات و موافقتنامه‌های مذکور را می‌توان اینگونه نام برد: کنوانسیون یونسکو در مورد حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان (کنوانسیون حفاظت از میراث جهانی ۱۹۷۲)، کنوانسیون لاهه در مورد حفاظت از دارایی‌های فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه (۱۹۵۴)، پروتکل دوم لاهه (۱۹۹۹)، پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) در مورد حفاظت از قربانیان مخاصمات مسلحانه (۱۹۷۷). مهم‌ترین سند بین‌المللی در این حوزه همان کنوانسیون حفاظت از میراث جهانی مورخ ۱۹۷۲ است. پس از جنگ اول جهانی و با پدیدار شدن آثار ویرانگر این جنگ در میدان‌های نبرد به خصوص درون مرزهای فرانسه و بلژیک، دو جنبش عمده شکل گرفت که یکی به دنبال حفاظت از مراکز فرهنگی بود و دیگری محافظت از طبیعت را دنبال کرده بود. در سال ۱۹۵۹ اتفاقی رخ داد که این دو جنبش را به سمت اتخاذ تدابیر به مراتب جدی‌تر و انجام اقدامات شدیدتر سوق داد. این اتفاق اعلام عزم دولت مصر برای ساخت سدی با نام اسوان علیا بود که اگر ساخته می‌شد، آثار تاریخی متعلق به مصر باستان که با نام معابد ابو سیمبل شناخته شده‌اند را کاملاً نابود می‌کرد. نهایتاً سد ساخته شد اما پس از آنکه معابد به جای دیگری منتقل گردیدند (آذرنگ، ۱۳۶۴).

مجادله سد اسوان منجر به کنفرانسی در واشنگتن در سال ۱۹۶۵ شد. هدف اصلی این کنفرانس ایجاد یک اجماع جهانی برای محافظت از میراث جهان بود تا از اماکن تاریخی و طبیعی برای استفاده نسل‌های بعدی حفاظت کند.

این ایده بعدها توسط سازمان‌های مختلفی مورد استفاده و توسعه قرار گرفت. در سازمان ملل نیز در سال ۱۹۷۲ یک طرح رسمی به کنفرانس استکهلم در مورد محیط زندگی انسان تقدیم شد. نتیجه این طرح، کنوانسیون میراث جهانی بود. این کنوانسیون نام تعدادی از اماکن طبیعی و تاریخی را به عنوان میراث جهانی لیست کرده است. این اماکن در کشورهای مختلفی در دنیا قرار گرفته‌اند. لیست مذکور در حال حاضر شامل بر ۹۶۲ محل در ۱۵۷ کشور است. کنوانسیون هم‌چنین یک صندوق میراث جهانی تأسیس کرده است که در امر حمایت از مراکز تاریخی و طبیعی به کشورهایی که نامشان به عنوان محل قرار گرفتن این مراکز در لیست ذکر شده است کمک می‌کند. این معاهده لیست دیگری نیز تهیه نموده که در آن نام مراکز در معرض خطر نابودی ذکر گردیده و به کشورها کمک می‌کند که مراکز تحت کنترل خود را اولویت‌بندی کنند (آقایی، ۱۳۷۴).

در معاهده آمده است که «نوشتن مراکز متنوع در لیست میراث جهانی باعث افزایش سطح آگاهی عمومی نسبت به این مراکز و ارزش بسیار زیاد آنها شده و متعاقباً فعالیت‌های توریستی را در محل استقرار آنها افزایش می‌دهد. اگر این مسائل به خوبی برنامه‌ریزی و بر اساس اصول گردشگری پایدار سازمان‌دهی شود می‌تواند منابع مالی گسترده‌ای را به سمت این مراکز روانه کند و در اقتصاد بومی کشور صاحب مرکز تأثیرگذار باشد. مکمل کنوانسیون مورد بحث، سازمانی است که با نام سازمان گردشگری جهانی شناخته می‌شود. این سازمان به عنوان یک ارگان رسمی سازمان ملل تأسیس گردیده است. سازمان گردشگری جهانی رسماً در سال ۱۹۷۰ و در مکزیکوسیتی تأسیس شد. تصمیم پایه‌گذاری چنین ارگانی در جلسه مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های مسافرتی رسمی - که سازمان گردشگری جهانی جانشین آن شد - گرفته شد. تا آن زمان سازمان گردشگری جهانی به عنوان سازمانی مستقل شناخته می‌شد. ۵ سال بعد مجمع عمومی سازمان گردشگری جهانی با پذیرفتن نظر دولت اسپانیا مبنی بر تأسیس دبیرخانه این سازمان در مادرید موافقت کرد و اولین دبیرکل سازمان مورد نظر انتخاب شد. یک سال بعد، سازمان گردشگری جهانی به عنوان مأمور اجرایی برنامه توسعه سازمان ملل متحد انتخاب شد. در سال ۲۰۰۳ این سازمان رسماً به عنوان بخشی از سیستم سازمان ملل متحد شناخته شد عنوان آن از سازمان گردشگری جهانی^۱ به سازمان گردشگری جهانی سازمان ملل^۲ تغییر یافت (براون و همکاران، ۱۳۷۵).

در حال حاضر تعداد ۱۵۵ کشور به عضویت این سازمان درآمده‌اند. این سازمان هم‌چنین ۷ عضو همکار، دو ناظر دائم و ۴۰۰ عضو وابسته دارد. ارکان سازمان شامل مجمع عمومی (رکن عالی)، شورای اجرایی، تعدادی کمیته تخصصی و یک دبیرخانه که توسط دبیرکل اداره می‌شود می‌باشد. دبیرکل فعلی سازمان طالب ریفائی از اردن است. هدف اصلی سازمان ارتقای صنعت گردشگری به عنوان ابزاری برای رشد اقتصادی، توسعه فعال و تحکیم محیط زیست اعلام شده است. یکی از دست‌آوردهای این سازمان در راستای رسیدن به اهدافش تدوین «اصول اخلاقی جهانی گردشگری» است. این حرکت کشورها را تشویق می‌کند که یک کد یا قانون برای اعمال اخلاق در گردشگری تدوین و تصویب کنند. کد اصول اخلاقی یک مجموعه جامع از قواعد است که برای راهنمایی فعالان کلیدی توسعه عرصه توریسم طراحی شده است. این کد با مخاطب قرار دادن دولت‌ها، صنعت گردشگری و

1. WTO

2. UNWTO

مسافرت، جوامع و توریست‌ها قصد دارد که در به حداکثر رساندن فواید و منافع این بخش و در عین حال به حداقل رساندن تأثیرات منفی احتمالی آن بر محیط زیست و میراث فرهنگی کشورهای جهان کمک‌رسانی نماید. هدف این مقاله بررسی مبانی حقوق گردشگری با تأکید بر حق برخورداری از محیط زیست سالم است. سوال اصلی مقاله این است که در متون حقوق بین الملل گردشگری و مبانی آن از جمله حق برخورداری از محیط زیست سالم چگونه نگریسته شده است؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است. روش جمع آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و استفاده از مقالات علمی و پژوهشی است.

رویکرد نظری

لغت توریسم^۱ از کلمه تور^۲ به معنای گشتن اخذ شده که ریشه در لغت لاتین Tourns به معنای دور زدن، رفت و برگشت بین مبدأ و مقصد و چرخش دارد که از یونانی به اسپانیا، فرانسه و در نهایت به انگلیس راه یافته‌است. در گذشته به گردشگران سیاح نیز گفته می‌شد که در اصل واژه‌ای عربی برگرفته از فعل سیاحت بوده‌است. سازمان جهانی گردشگری با توجه به تمامی تعاریف گردشگری که تا قبل از سال ۱۹۹۴ ارائه شده بودند در سال ۱۹۹۵ یک تعریف نهایی منتشر کرد: مجموعه فعالیت‌های فرد یا افرادی که به مکانی غیر از مکان عادی زندگی خود مسافرت و حداقل یک شب و حداکثر یک سال در آنجا اقامت می‌کنند و هدف از مسافرت آنان نیز گذراندن اوقات فراغت است. البته اهدافی نظیر اشتغال و کسب درآمد شامل آن نمی‌شود. بر این اساس کسانی که شامل این تعریف می‌شوند نیز گردشگر نامیده می‌شوند (برخوردار، ۱۳۸۷).

اصطلاحات «توریسم» و «توریست» اولین بار در سال ۱۹۳۷ توسط جامعه ملل مورد استفاده قرار گرفتند. گردشگری به سفر به خارج از کشور و با مدت زمان بیش از ۲۴ ساعت اطلاق می‌شود. در سال ۱۹۵۰ جهان تنها حدود ۲۵ میلیون توریست را به خود دیده بود اما در سال ۲۰۰۷ این آمار به ۸۲۵ میلیون نفر در سال رسید و در سال ۲۰۱۷ در مجموع ۱ میلیارد و ۳۲۳ میلیون نفر توریست برای بازدید از مقاصد تاریخی، طبیعی و گردشگری سایر کشورها خاک کشور خود را ترک کردند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ جهان بیش از ۱۰۸ میلیارد گردشگر داشته باشد که این نشان از چشم‌انداز بسیار روشن این صنعت در جهان دارد. صنعت گردشگری در چهارپنجم کشورهای جهان، یعنی در بیش از ۱۵۰ کشور، یکی از ۵ منبع اصلی کسب ارز خارجی است و در بیش از ۸۰ کشور، رتبه اول را به خود اختصاص می‌دهد. در این میان کشورهای در حال توسعه نیز از مزایای این صنعت بی‌نصیب نمانده‌اند، چنان که در اکثریت قاطع کشورهای در حال توسعه به جز برخی کشورها همچون ایران، گردشگری یکی از منابع اصلی درآمد و در یکسوم کشورهای فقیر عمده‌ترین منبع درآمد بوده‌است. توسعه صنعت گردشگری برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی چون نرخ بالای بیکاری، چهره بین‌المللی مخدوش، محدودیت منابع ارزی و اقتصاد تک محصولی عمدتاً نفتی مواجهند، از اهمیت فراوانی برخوردار است. طبق آمار سازمان گردشگری ملل متحد قاره اروپا در سال ۲۰۱۷ با ۶۷۱ میلیون نفر گردشگر بین‌المللی و درآمد ۴۵۰ میلیارد دلاری رتبه نخست جهان را کسب کرده‌است. قاره آمریکا با ۲۰۷ میلیون نفر گردشگر و درآمد ۳۱۳ میلیارد دلاری رتبه دوم، آسیاپاسیفیک با ۳۲۴ میلیون گردشگر و

1. Tourism
2. Tour

۳۷۱ میلیارد دلار درآمد رتبه سوم، آفریقا با ۶۳ میلیون گردشگر و ۳۳ میلیارد دلار درآمد رتبه چهارم و خاورمیانه ۵۸ میلیون گردشگر در سال و درآمد ۵۸ میلیارد دلار در رتبه آخر جهان قرار دارد (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱).

از منظر اندیشمندان این حوزه، دو دیدگاه کلی برای گردشگری وجود دارد؛ از دیدگاه کسانی که به صورت زنجیره‌ای درآمدی به آن نگاه می‌کنند، صنعت است؛ و از دیدگاه کسانی که به صورت اجتماعی و از جنبه‌های علمی و علوم انسانی نگاه می‌کنند، فعالیت تلقی می‌شود. در زیر برخی از دیدگاه‌ها آمده است: جفرسون و لیکوریش گردشگری را حرکت مردم و فشار تقاضا در این زمینه تعریف کرده‌اند و آن را به عنوان صنعت قبول ندارند. اسمیت نیز اظهار داشته است که بهتر است گردشگری را به عنوان مجموعه‌ای از چندین صنعت مرتبط در نظر بگیریم. جنکیمگز اظهار می‌دارد که از دیدگاه فنی، چند بُعدی بودن صنعت جهانگردی، تعریف آن را در قالب یک صنعت غیر ممکن ساخته است چرا که شرایط اصلی تولید با شاخص‌های عملیاتی آن تعریف نشده است و بدون دخالت عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی، بُعد اقتصادی در صنعت گردشگری نمایان نمی‌شود. برخی دیگر نیز توریسم یا گردشگری را صنعت بدون دود نام نهاده‌اند. با این حال شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد، مصرف‌کنندگان هنوز هم گردشگری را نوعی صنعت به شمار می‌آورند (بیگزاده، ۱۳۸۲).

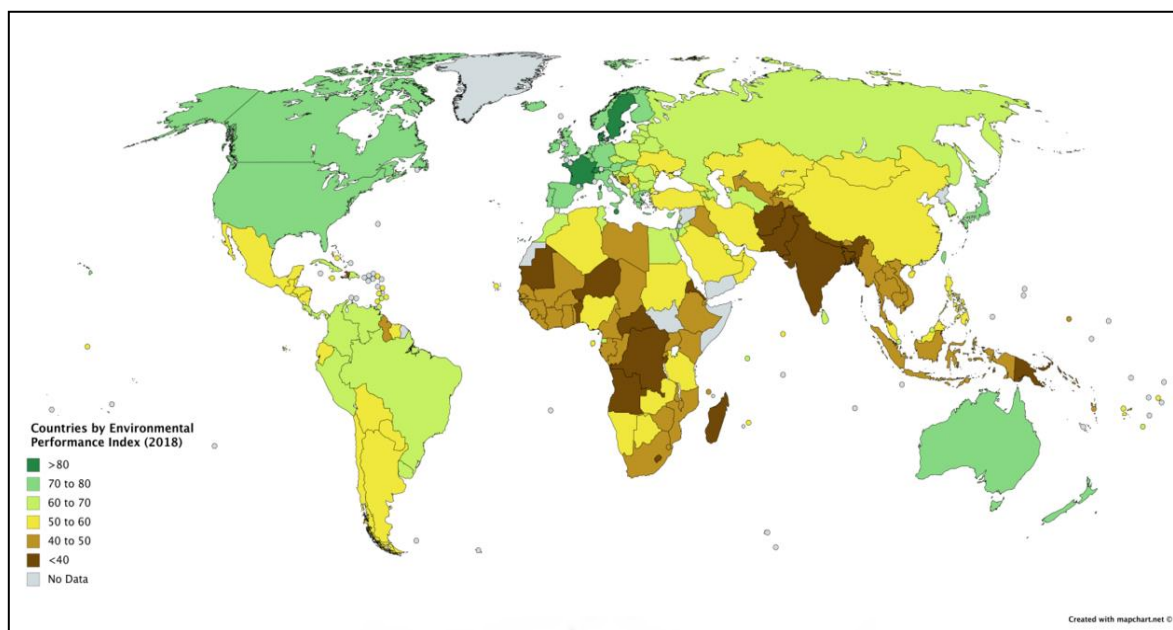
طبق نظریه میل و موریسون توریسم به مجموعه فعالیتی اطلاق می‌شود که در جریان مسافرت یک گردشگر اتفاق می‌افتد. این فرایند شامل هر فعالیتی از قبیل برنامه‌ریزی سفر، مسافرت به مقصد، اقامت، بازگشت و حتی یادآوری خاطرات آن نیز می‌شود. همچنین فعالیت‌هایی را که گردشگر به عنوان بخشی از سفر انجام می‌دهد نظیر خرید کالاهای مختلف و تعامل میان میزبان و میهمان را نیز در بر می‌گیرد. به طور کلی می‌توان هر گونه فعالیت و فعل و انفعالی را که در جریان سفر یک سیاحت‌گر اتفاق می‌افتد گردشگری تلقی کرد. این تعریف جامع میل و موریسون از جهانگردی شامل چهار مرحله از رفتار مصرف‌کننده است که گاه با یکدیگر همپوشانی دارند: ۱. فعالیت‌های قبل از سفر نظیر کسب اطلاعات، پرس و جو از اقوام و دوستان، نگهداری جا یا برنامه‌ریزی برای یک بازدید روزانه و آماده شدن برای سفر. ۲. انجام سفر از مبدا به مقصد و برعکس که احتمالاً شامل توقف شبانه در مسیر نیز می‌شود. ۳. فعالیت‌هایی که در مقصد انجام می‌شود که ممکن است به صورت یکنواخت و معین و بسیار متنوع باشد. ۴. فعالیت‌هایی که بعد از سفر انجام می‌پذیرد از قبیل چاپ عکس، گفتگو و بحث درباره‌ی تجارب سفر. گردشگری را از بُعد تقاضا می‌توان به سه نوع تقسیم کرد: ۱. گردشگری داخلی (Domestic Tourism): سفر ساکنان یک کشور در کشور خودشان ۲. گردشگری درون مرزی (Inbound Tourism): مسافران غیر ساکن که وارد مرز کشور دیگری می‌شوند. ۳. برون مرزی (Outbound Tourism): ساکنان یک کشور که به قصد سفر از مرزهای خود خارج می‌شوند. اگر معیار سنجش را کشور قرار دهیم، می‌توان عبارت‌های جهان‌گردی بومی (داخلی)، درون مرزی و برون مرزی را به سه دسته بندی زیر تقسیم کنیم: ۱. گردشگری داخلی که شامل گردشگری داخلی و درون مرزی است. ۲. گردشگری ملی که شامل گردشگری داخلی و برون مرزی است. ۳. جهان‌گردی بین‌المللی که شامل گردشگری درون مرزی و برون مرزی است (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۴).

محیط مورد مطالعه

در دو قرن اخیر تغییرات شگرفی در زندگی بشر ایجاد شده، اما این تغییرات به بهای تخریب محیط زیست بوده، در عصری که بشر، از پیشرفت‌های تکنولوژیکی، علمی، آموزشی، بهداشتی و رفاهی خود سرمست می‌باشد، داشتن محیط زیست سالم و خالی از آلودگی، برایش به صورت آرزو درآمده است. آسایش بوجود آمده در سایه پیشرفت فن آوری به بهای تخریب محیط زیست بوده که نتیجه آن از دست رفتن آرامش بشر بوده است و انسان برای داشتن زندگی سعادتمندانه به آسایش و آرامش همزمان نیاز دارد. با این روند تخریب محیط زیست آینده بشر نیز در خطر قرار گرفته. آلودگی آب، خاک و هوا، تشعشعات رادیواکتیو و الکترو مغناطیسی، آلودگی صوتی و غیره، همگی باعث بروز بیماری‌های جدید و خطرناک و انواع عفونت‌ها و سرطان‌ها گردیده و سلامت روانی انسانها را به مخاطره انداخته است. به جز این موارد، مصرف منابع بویژه منابع تجدید ناپذیر مانند: سوخت‌های فسیلی و مواد معدنی، توسعه را نیز به ویژه برای کشورهای جهان سوم با آینده ای تاریک مواجه نموده است (چرکاسووا، ۱۳۷۱).

اکنون علوم و فنون، انسان را به سطح باورنکردنی از پیشرفت رسانده و در جنبه‌های مختلف زندگی، به او کمک کرده تا ضمن دست یافتن به رفاه فراوان، بیماری‌ها را کنترل کند و کارها را آسان تر از گذشته انجام دهد. بشر امروزی، راز و رمز جهان را بهتر می‌فهمد و در برابر حادثه‌های طبیعی، از خودش بهتر حفاظت می‌کند. از سوی دیگر، علوم و فنون، خطرهای جبران ناپذیری را نیز متوجه او نموده است. انسان با دخالت‌های خویش، استخراج حریرانه و بهره برداری نادرست از منابع طبیعی، هماهنگی موجود در طبیعت را بر هم زده و در حال نابود کردن زادگاه و گهواره خویش و دیگر موجودات است. میزان آلودگی‌های آب، هوا و خاک به اندازه ای است که فرصت بازسازی و جبران را از طبیعت ستانده است. منابع طبیعی که در طول هزاران سال به وجود آمده اند، به سرعت در حال نابود شدن می‌باشد. به گونه ای که ممکن است پاسخ گوی نیاز نسل‌های آینده نباشد. اکنون مشکل آلودگی و تخلیه منابع محیط زیست، به روشنی خودنمایی می‌کند و بشر به خوبی دریافته که اگر از استفاده‌های نادرست، حریرانه و خودخواهانه خویش دست بردارد و شیوه زندگی و بهره برداری از محیط زیست را اصلاح نکند، محیط سکونت خود را به برهوتی وحشتناک تبدیل خواهد کرد.

در کنار این فعالیت‌های ویرانگر، نسل امروز روی انباری از سلاح‌های نابودکننده اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی خطرناکی زندگی می‌کند که خود تولید نموده است؛ سلاح‌هایی که در صورت انفجار یا نداشتن توان کنترل، انسان‌ها و محیط زیست را به کام مرگ و نابودی فرو خواهد برد. در چنین موقعیتی، راهی جز همکاری، هم‌زیستی و همراهی با محیط زیست نیست. برای دست یابی به محیط زیستی سالم و به دور از آلودگی، نیاز به مشارکت گسترده در عرصه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و حتی تک تک افراد، به صورت ضرورتی انکارناپذیر درآمده است (حجتی‌اشرفی، ۱۳۸۶).

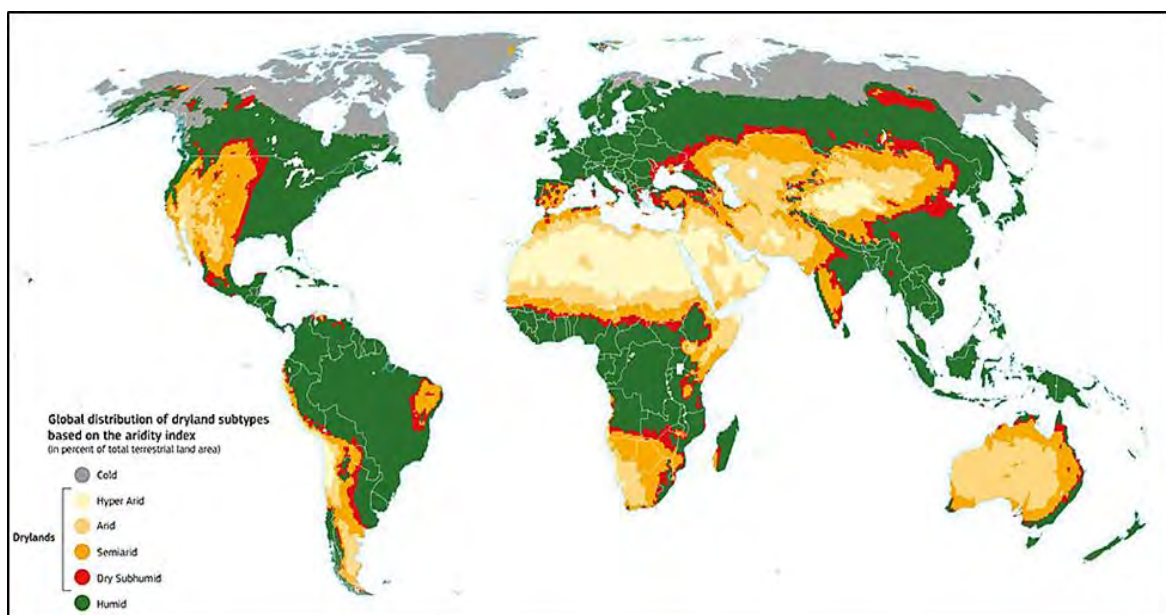


نقشه ۱: وضعیت حفاظت محیط زیستی در جهان

منبع: (<https://en.wikipedia.org>)

از نظر آلودگی هوا نیز میزان گاز کربنیک موجود در جو نسبت به سال ۱۸۹۰ بیش از ۱۷۰ برابر شده، متوسط دمای کره زمین در طی این دوره حدود یک درجه سانتیگراد افزایش یافته که اثرات مخرب زیادی روی گیاهان و جانوران داشته و منجر به پدیده‌هایی مانند النینو و کاترینا شده و اکسیژن موجود در هوا حدود بیست و پنج صدم درصد کاهش داشته است. ذخایر سوخت‌های فسیلی در بهترین حالت حداکثر برای ۵۰ سال بشر کافی هستند. نتیجه اقدامات بشر برای حیوانات و گیاهان نیز فاجعه بار بوده، صدها گونه جاندار تنها در ۷۰ سال اخیر منقرض شده اند، بر اساس آمار معتبر جهانی در کنفرانس زمین در هر سال در جهان بیش از ۱۰۰ گونه گیاهی و ۹ گونه جانوری منقرض می شوند. برای مثال در ایران در طی این مدت شیر ایرانی که در استانهای فارس، کهگیلویه و بویراحمد و خوزستان زندگی می کرد بکلی منقرض شد و یا نسل ببر مازندران از بین رفت و در حال حاضر نسل پلنگ و یوزپلنگ ایرانی، گربه پالاس، روباه کرساک یا روباه ترکمنی، سیاه گوش ایرانی، گوزن زرد، روباه بلانفورد یا شاه روباه ایرانی، گراز ایرانی، گورخر ایرانی در خطر انقراض می باشد (دبیرسیاقتی، ۱۳۸۳).

سطح تقریبی جنگل‌های جهان در سال ۲۰۱۶ را در حدود ۳/۹ میلیارد هکتار برآورد کرده اند که در حدود ۳۰٪ سطح کل اراضی جهان است. جالب است بدانید که از این ۳/۹ میلیارد هکتار حدود دو سوم آن در ۸ کشور: روسیه، برزیل، کانادا، آمریکا، کنگو، اندونزی، آنگولا و پرو واقع شده اند.

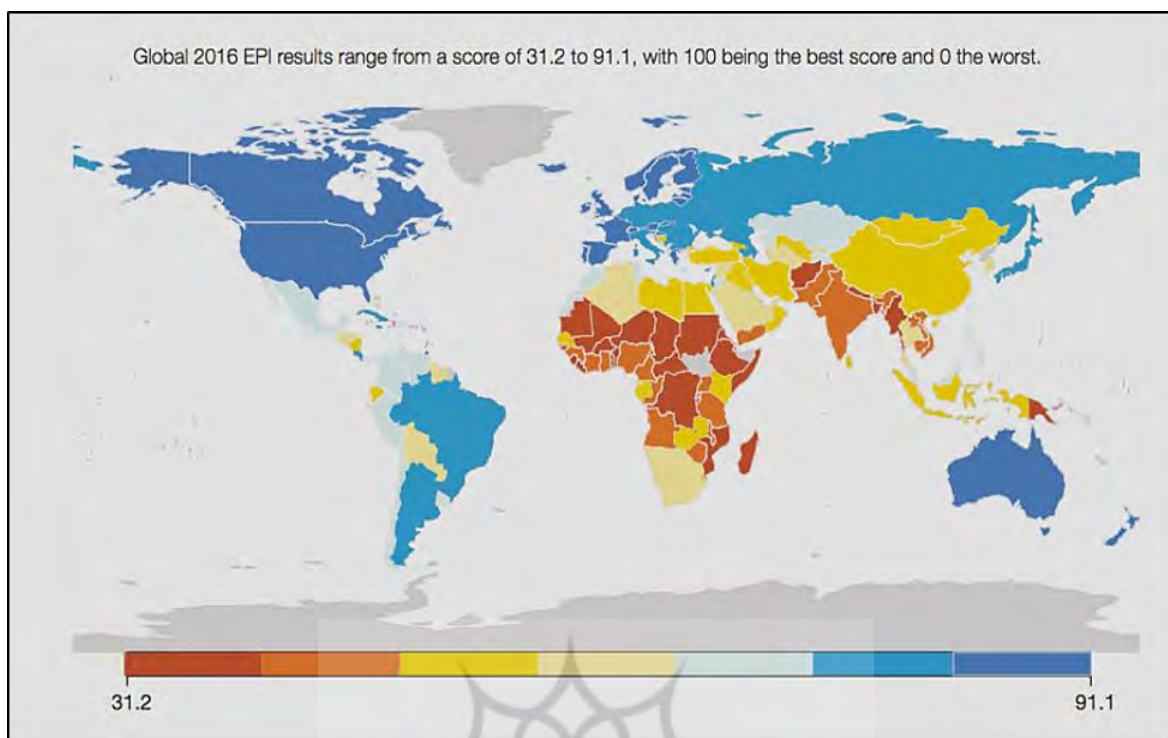


نقشه ۲: وضعیت تخریب محیط زیست در جهان

منبع: (<https://www.carbonbrief.org>)

کشورهای فنلاند و سوئد (۲ کشور همسایه در شمال غرب اروپا) با داشتن درصد ۷۴ پوشش جنگلی از مساحت خود دارای بیشترین رقم "درصد سطح جنگل نسبت به سطح کل کشور در بین کشورهای دنیا هستند که این نسبت برای روسیه ۵۰ درصد، افغانستان ۴ درصد و عراق ۰,۵ درصد می‌باشد. بر اساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد^۱ که در سال ۲۰۱۶ منتشر شده، طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ مجموعاً ۳ درصد از سطح جنگل-های دنیا کاهش پیدا کرده به طوری که مساحت جنگل‌های کره زمین از ۴۱۲۸ میلیون هکتار با ۳۹۹۹ میلیون هکتار رسیده است؛ اما زمانی که صحبت از اراضی با پوشش درختی به میان می‌آید شاهد افزایش ۱۹ درصدی سطح این اراضی در طی سالهای مذکور هستیم که به علت فعالیت‌های جنگل کاری و احیای پوشش گیاهی در جهان می‌باشد. البته روند کاهش مساحت اراضی با پوشش درختی طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ رخ داده است اما سپس با نرخ افزایشی تا سال ۲۰۱۵ همراه بوده است و در حال حاضر مساحت "اراضی با پوشش درختی" جهان به ۱۲۰۴ میلیون هکتار می‌رسد؛ اما نرخ کاهش سطح جنگل‌های دنیا در ۲۵ سال اخیر از ۷/۳ میلیون هکتار در سال (سال ۱۹۹۰) به ۳/۳ میلیون هکتار در سال ۲۰۱۵ رسیده است. در سال ۲۰۱۵ سرانه جنگل در جهان ۰/۶۵، در قاره آسیا ۰/۱۵ و در ایران کمتر از ۰/۲ هکتار بوده است (سعیدنیا، ۱۳۷۹).

از سال ۱۹۷۰ تاکنون بطور متوسط درصد ۶۰ از جمعیت پستانداران، پرندگان، ماهیان، خزندگان و دوزیستان از بین رفته است. ۲۰ درصد از جنگل‌های آمزون طی ۵۰ سال اخیر ناپدید شده است. ۵۰ درصد از ذخایر مرجان‌ها در ۳۰ سال گذشته نابود شده است. طبیعت در سطح جهان سالانه خدماتی به ارزش ۱۲۵ تریلیون دلار ارائه می‌دهد. درحالی‌که به تامین هوای تازه، آب سالم، مواد غذایی، انرژی، دارو و غیره کمک می‌کند.



نقشه ۳: رتبه بندی کشورهای جهان در شاخص حفاظت از محیط زیست منبع: (https://omidrazavi.wordpress.com)

یافته‌ها

یکی از عناصر مهمی که در توسعه پایدار گردشگری اغلب نادیده گرفته شده، تعهدات اخلاقی است که رعایت آن می‌تواند در تحقق تعامل فرهنگی نقش مهمی را ایفا نماید. به همین لحاظ شناخت کدهای اخلاقی برای گردشگری می‌تواند چارچوب مرجعی را برای مسئولین توسعه پایدار گردشگری در هزاره جدید تعیین نماید. اعضای سازمان جهانی گردشگری بر این باورند که ضوابط مذکور جهت کمک به حداقل رساندن اثرات منفی گردشگری بر محیط، میراث فرهنگی و همچنین به حداکثر رساندن مزایا برای افراد مقیم در مقصدهای گردشگری مورد نیاز می‌باشد. کدهای اخلاقی مشتمل بر ده ماده می‌باشد که نه ماده آن حکایت از قوانینی برای مقاصد، دولت‌ها، متصدیان تور، برنامه ریزان، کارگزاران مسافرتی، کارکنان و مسافران می‌نماید و ماده دهم آن بر نکات اجرایی تأکید دارد (طباطبایی، بی تا).

ماده اول: شناخت متقابل و احترام بین مردم و جوامع

ارزش‌های اخلاقی و متعارف در خصوص مذاهب، باورهای فلسفی و اخلاقی، سنن اجتماعی و عادات تمامی مردم، اقلیت‌ها و فقرا باید شناسایی و محترم شمرده شوند. فعالیت‌های گردشگری باید به صورت هماهنگ با صفات و سنن مناطق و کشورهای میزبان، ضمن احترام به قوانین، رسوم و عادات، هدایت گردد. شناخت احترام به شیوه زندگی، ذائقه و انتظارات گردشگران و به کارگیری آموزش و پرورش در زمینه‌های مذکور.

ماده دوم: گردشگری به عنوان وسیله ای برای شکوفایی انفرادی و اجتماعی

احترام به تساوی مرد و زن و بالاخص ترویج حقوق فردی گروه‌های آسیب پذیر از قبیل کودکان، سالخورده‌گان، معلولین، اقلیت‌های قومی و مردم بومی

تشویق اقسام سودمند گردشگر از قبیل مسافرت برای مقاصد مذهبی، تندرستی، آموزشی، فرهنگی یا زبان شناسی معرفی و تشویق دوره‌های تحصیلی به خصوص در رابطه با مزایای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها و یا خطرات احتمالی ناشی از آنها

ماده سوم: گردشگری به عنوان یکی از عوامل توسعه پایدار

تمامی اقسام توسعه گردشگری که موجب صرفه جویی منابع کمیاب و گران بها (بالاخص آب و انرژی) و تاحد امکان مانع از اتلاف تولید می‌گردند، باید توسط مراجع دولتی ملی، منطقه ای و محلی ارجحیت داده شوند و مورد تشویق قرار گیرند(علوی، ۱۳۷۸).

کاهش فشار فعالیت‌های گردشگری بر روی محیط در مواقع هجوم گردشگران و تلاش جهت حفظ توازن در این خصوص به منظور افزون نمودن اثرات سودمند آن بر صنعت گردشگری و اقتصاد محلی.

به رسمیت شناختن اکوتوریسم و هدایت و غنای وضع گردشگری در آن، ضمن محترم شمردن میراث طبیعی و جمعیت محلی و حفظ ظرفیت موجود در محل‌های مذکور

ماده چهارم: جایگاه میراث فرهنگی در گردشگری و نکات مورد توجه در بهبود آن

حقوق و تعهدات خاص جوامع محلی در قبال میراث فرهنگی

سیاست‌ها و فعالیت‌های گردشگری باید در راستای محترم شمردن میراث‌های هنری و باستان شناسی که باید از آنها محافظت و به نسل‌های بعدی انتقال داده شود، اداره گردد و توجه ویژه به محافظت و اصلاح وضعیت آثار تاریخی، زیارتگاه‌ها و همچنین مکان‌های باستانی که به صورتی کثیر برای گردشگران بازدید کننده باز می‌باشد، گردد و همچنین بازدید از اماکن‌های مذهبی، ضمن شمردن حقوق مالکان شان، بدون تعصب داشتن به نیازهای طبیعی پرستش، مورد تشویق قرار گیرد. فعالیت‌های گردشگری باید به نحوی باشد که به جای همسان سازی محصولات فرهنگی، پیشینه و سنن باستانی، منجر به بقا و رشد آنها گردد(قاسمی، ۱۳۸۱).

ماده پنجم: گردشگری به عنوان یک فعالیت سودمند برای کشورهای میزبان و جوامع محلی

مرتبط بودن جمعیت‌های محلی با فعالیت‌های گردشگری و بهرمندی عادلانه آنها از مزایای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن و سهم شدن آنها بالاخص در ایجاد مشاغل که به صورتی مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از آن می‌گردد.

سیاست‌های گردشگری باید به نحوی عملی گردد که موجب ارتقاء استانداردهای مناطق مورد بازدید گردد و نیازهای آنها را بر آورده سازد. برنامه‌ریزی و رویکرد مربوط به فن معماری آن و عملیات گردشگری میعادگاه‌ها، جا و منزل‌ها، باید تا حد امکان در بافت‌های محلی اقتصادی و اجتماعی، هدفش یکپارچه کردن آنها باشد و در صوت تساوی مهارت‌ها، ارجحیت باید به نیروی انسانی محلی داده شود. بایستی به مشکلات اختصاصی نواحی ساحلی و قلمروهای جزیره ای و مناطق صدمه پذیر روستایی یا مناطق کوهستانی، توجه خاص گردد(کلارک، ۱۳۷۹).

ماده ششم: تعهدات گروه‌های ذینفع در توسعه گردشگری

ابراز علاقه متخصصان گردشگری به همکاری با مراجع دولتی در خصوص ایمنی و امنیت نسبت به تصادفات، پوشش درمانی و امنیت نسبت به تصادفات، پوشش درمانی و امنیت غذایی جهت افرادی که خدمتشان را طلب

می‌کنند و حصول اطمینان از وجود سیستم مناسب بیمه و همچنین پذیرش مسئولیت‌های تجویز شده در خصوص پاسخگویی به واسطه مقررات ملی و پرداخت خسارت منصفانه در زمان ملاحظه قصور در انجام تعهدات پیمان. مراجع دولتی باید در اشتراک مساعی با متخصصان ذی ربط و انجمن‌هایشان، از جایگزینی مکانیزم‌های لازم برای جبران خسارت گردشگران در زمان ورشکستگی مؤسسه‌ای که مسافرت آن‌ها را سازماندهی نموده است، اطمینان حاصل نماید.

مطبوعات و بالاخص مطبوعات تخصصی مسافرت و سایر رسانه‌ها شامل وسایل الکترونیکی، باید در خصوص وقایع و اوضاعی که می‌توان بر روند گردشگران تأثیر گذارد، اطلاعات صادقانه و موزون انتشار دهند. آن‌ها همچنین باید برای مصرف‌کنندگان خدمات گردشگری، اطلاعات صحیح و قابل اعتماد تهیه نمایند و برای انجام این مقصود، باید ارتباطات جدید و فناوری تجارت الکترونیکی نیز توسعه بیابد (کولایی، ۱۳۸۵).

ماده هفتم: حقوق گردشگران

حقوق عمومی گردشگری باید به عنوان نتیجه منطقی حق استراحت و اوقات فراغت به انضمام محدودیت‌های معقول ساعات کار و تعطیلات دوره‌ای همراه با پرداخت تضمین شده به واسطه ماده بیست و چهار بیانیه عمومی حقوق انسانی و ماده هفت قرارداد بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد لحاظ قرارگیرد. گردشگری اجتماعی و بالاخص گردشگری دسته‌جمعی که تسهیلاتش جهت اوقات فراغت، مسافرت و تعطیلات در همه جا متداول و در دسترس باشد، باید به واسطه مراجع دولتی حمایت گردد.

گردشگری خانواده، جوانان، دانش‌آموزان و افراد ارشد برای اشخاص عاجز باید تشویق و تسهیل گردد.

ماده هشتم: آزادی درباره تغییر مکان گردشگران

گردشگران و بازدیدکنندگان باید از حقوق محرمانه بودن داده‌های شخصی و اطلاعات مربوط به آن‌ها، بالاخص در مواقعی که به صورت الکترونیکی ذخیره می‌گردند، بهره‌برند. مسافران باید تا آنجایی که وضعیت اقتصادی کشورهایی که به آن‌ها می‌آیند، اجازه دهد، بتوانند به اسکناس‌های رایج قابل تبدیل پول‌های مورد نیاز برای مسافرتشان، دسترسی داشته باشند. گردشگران و بازدیدکنندگان باید به اقسام ارتباطات داخلی یا خارجی دسترسی داشته باشند. آن‌ها باید از دسترسی فوری و آسان به ادارات محلی، خدمات حقوقی و بهداشتی بهره‌برند و باید جهت ارتباط با نمایندگان کنسولیشان در کشورهای مبدأ بر طبق قراردادهای سیاسی معمول، آزاد باشند (مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، اردیبهشت، ۱۳۸۰).

ماده نهم: حقوق کارکنان و کارآفرینان در صنعت گردشگری

حقوق قانونی حقوق‌بگیر و استخدام در صنعت گردشگری و فعالیت‌های وابسته به آن باید تحت نظارت ادارات ملی و محلی، هم در دولت‌های کشورهای مبدأ و هم میزبان، تضمین شده باشد همچنین با پذیرش موانع خاصی که بالاخص مربوط به فصلی بودن آن‌ها می‌شود، بعد جهانی صنعت، اغلب بنابر ماهیت کار، انعطاف‌پذیری آن‌ها را می‌طلبد.

لازم است کارکنان حقوق بگیر و خود استخدام در صنعت گردشگری و فعالیت‌های وابسته به آن، حق و تکلیف کسب آموزش شغلی مقدماتی و مداوم را دارا باشند. آن‌ها باید از حمایت اجتماعی کافی برخوردار باشند و تاجایی که ممکن است، عدم امنیت شغلی ایشان باید محدود شود و باید منزلت ویژه‌ای در خصوص رفاه اجتماعی به کارکنان فصلی در این بخش عرضه گردد. لازم است مشارکت و راه اندازی روابط موزون بین مؤسسه‌های ایجاد کننده و دریافت کننده، در توسعه پایدار گردشگری و توزیع عادلانه مزایای ناشی از رشد آن، اشاعه یابد (مطلبی، ۱۳۸۲).

ماده دهم: اجرای اصول قوانین اخلاقی جهانی برای گردشگری

گروه‌های ذینفع دولتی و خصوصی در توسعه گردشگری باید در اجرای اصول مذکور همکاری داشته باشند و ناظر بر کاربرد اثربخش آن‌ها باشند. گروه‌های ذینفع در توسعه گردشگری باید نقش مؤسسه‌های بین المللی (که در میان آن‌ها سازمان جهانی گردشگری رتبه اول را دارد) و سازمان‌های غیر دولتی؛ در حوزه‌ای پیشبرد و توسعه گردشگری، حمایت حقوق انسانی، بهداشت و غیره را با محترم شمردن اصول عمومی قانون بین الملل کاملاً بازشناسند. گروه‌های ذینفع فوق‌الذکر باید قصد خویش جهت رجوع به هر بحثی در خصوص کاربرد یا تفسیر و تعبیر ضوابط اخلاق جهانی برای گردشگری را از طریق مصالحه با یک شخص بی طرف، مصطلح به کمیته جهانی درباره اصول اخلاق گردشگری، ابراز دارند (موحد، ۱۳۸۲).

هرچند در سراسر تاریخ بطور پراکنده اقداماتی در جهت یافتن راه چاره آلودگی یا آثار آن اعم از آلودگی‌های هوا، آب، خاک و صدا انجام شده اما آگاهی نسبت به کل لایه حیاتی یا در بخش عمده‌ای از آن، موضوع نسبتاً جدیدی است و مبدا پیدایش آن به اواخر دهه ۶۰ میلادی بر میگردد. حتی وقتی کنوانسیون‌های بین المللی هدف را روی بخشی از فعالیتهای معین یا روی آن قسمت از آنچه ما امروز محیط زیست مینامیم، مثل ماهیان یا پرندگان قرار داد، موضوع اصلی تنظیم بهره برداری از آنها از بعد سودمندی اقتصادی مطرح بود. در طول قرن نوزدهم قراردادهای بین المللی در خصوص ماهیگیری منعقد گردیده است که بیشتر آنها بر محور مناطق ماهیگیری دور میزند و غالباً کمتر به موضوعات حفاظتی و بیشتر به ابعاد اقتصادی تکیه دارد. به هر شکل حقوق بین الملل محیط زیست را می توان در ۳ دوره تاریخی بررسی نمود:

الف - قبل از سال ۱۹۷۲ (کنفرانس استکهلم) ب- ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲ (حد فاصل کنفرانسهای استکهلم و ریو) ج - از ۱۹۹۲ تا به حال

الف - قبل از سال ۱۹۷۲: حقوق بین الملل محیط زیست عموماً به صورت قراردادهای دو جانبه میان کشورها و کمیسیون‌های بین المللی - منطقه‌ای برای حفاظت از محیط زیست یک منطقه خاص وجود داشت که در این خصوص می توان به کنوانسیون‌های ذیل‌الذکر اشاره کرد:

*کنوانسیون ۱۹۰۲ پاریس در خصوص حفاظت از پرندگانی که در کشاورزی مفید هستند.

*کنوانسیون ۱۹۰۹ در حقوق حفاظت از آبهای مرزی میان کانادا و آمریکا، موسوم به کنوانسیون واشنگتن

*کنوانسیون حفاظت از آبزیان و گیاهان، معروف به کنوانسیون لندن در سال ۱۹۳۳

*اساسنامه سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۶

ویژگی‌های خاص این کنوانسیونها، منطقه ای بودن آنها بود که برای حفاظت از یک منطقه خاص تشکیل میشد.

ب - از ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲:

در ۱۹۷۲ بسیاری از سران دولت‌های جهان در استکهلم گردهم آمده که در نتیجه این گرد هم آبی یک متنی غیرالزام آور تحت عنوان بیانیه ۱۹۷۲ ایجاد شد.

این بیانیه یک متن غیرالزام آور است و ارزش حقوقی معاهدات را ندارند اما در خصوص تاثیر این بیانیه به جرات می توان گفت که بیش از معاهدات بین المللی بوده است. از مهمترین آثار این بیانیه در حقوق بین الملل محیط زیست می توان به ایجاد قواعد عمومی و اصول حقوقی در حقوق بین المللی محیط زیست و کمک به تکامل و توسعه این رشته اشاره کرد (هاگت، ۱۳۷۶).

هر چند در بیانیه ۱۹۷۲ قواعد الزام آور وجود ندارد اما این بیانیه توانست تا اصولی در خود مندرج کند که ناشی از حقوق عرفی بود به عبارت دیگر این بیانیه توانست برخی از اصول عرفی پراکنده را در یک متن حقوقی غیرالزام آور جمع نماید. به همین علت سال ۱۹۷۲ نقطه عطف حقوق بین الملل محیط زیست شمرده می شود هر چند قبل از ۱۹۷۲ اقداماتی پراکنده از سوی دولتها برای حفاظت از محیط زیست در نظر گرفته شده بوده اما بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ یک اقدام جهانی برای حفاظت محیط زیست به شمار می آید.

ده سال بعد، در سال ۱۹۸۲ منشور جهانی طبیعت در مقر سازمان ملل متحد به تصویب کشورها رسید. منشور جهانی طبیعت منشوری است که همانند بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ اولاً غیرالزام آور بوده ثانیاً تجمیع کننده عرف‌های پراکنده حقوق بین الملل محیط زیست است (موحد، ۱۳۸۲).

ج - از ۱۹۹۲ تا به حال:

۲۰ سال بعد از استکهلم، سومین متن حقوقی غیرالزام آور که در توسعه حقوق بین الملل تاثیر به سزایی داشت تحت عنوان بیانیه ریو تدوین و تصویب شد. در بیانیه ریو، مساله توسعه پایدار به عنوان یک نقطه کلیدی در حقوق بین الملل محیط زیست مطرح شد. در این بیانیه بسیاری از اصول حقوقی جدید از قبیل، اصول پیشگیری، احتیاطی، جلوگیری و اصل توسعه پایدار مطرح شده است.

از سال ۱۹۹۲ کنوانسیون‌های بین المللی مهمی در حقوق بین الملل بوجود آمد که می توان به کنوانسیون تغییرات آب و هوا، پروتکل کیوتو در خصوص تغییرات آب و هوایی یا کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد در خصوص بهره برداری از آبراهه‌ها و راه‌های بین المللی در مقاصد غیرکشتریانی اشاره کرد. در سال ۲۰۰۲ یعنی ۱۰ سال بعد از بیانیه ریو، بیانیه ژوهانسبورگ واقع در آفریقای جنوبی با تاکید بر اصول مطرح شده در بیانیه ریو صادر شد (مطلبی، ۱۳۸۲).

منابع حقوق بین الملل محیط زیست

دو سند منطقه ای در دست است که می توان آنها را به عنوان قدیمی ترین مفاهیم محیط زیست به شمار آورد. اولی کنوانسیون ۱۹۳۳ لندن راجع به حفاظت از جانوران و گیاهان در حالت‌های طبیعی قابل اجرا در افریقای دوران استعمار می باشد که موجب احداث پارکهای طبیعی و حفاظت دقیق از نسل برخی از انواع حیوانات وحشی

می‌گردد. سند دوم کنوانسیون ۱۹۴۰ واشنگتن راجع به حفاظت طبیعت و حیات وحش در نیمکره غربی است که احداث قرقگاهها و حفاظت از حیوانات وحشی و نباتات و بویژه پرندگان مهاجر را مد نظر قرار می‌دهد. همچنین در بین دو جنگ جهانی، آلودگی برخی از رودخانه‌ها و دریاچه‌ها با ذکر آلودگی در معاهدات در خصوص قابل انتقال بودن آلودگی از مرز کشورها آمده است این کوشش‌ها بعد از جنگ جهانی دوم بیشتر در اروپا استمرار داشت در نتیجه ماموریت‌های بین‌المللی در رابطه با رودخانه‌های موزال، راین و دریاچه لمن بمنظور کنترل آلودگی آب‌های آنها بوجود آمده است در نتیجه این کوشش‌ها، مبارزه با آلودگی دریاها در طول دهه ۵۰ میلادی پدید آمد. کنوانسیون لندن در سال ۱۹۵۴ راجع به حفاظت دریاها از آلودگی نفتی نخستین گام آزمایشی در این راستا به حساب می‌آید. فناوری جدید در خصوص نحوه بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای منجر به مقررات بین‌المللی بیشتری شد. معاهده ۱۹۶۳ مسکو مبنی بر ممنوعیت آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر آب از آن نمونه است نگرانی بشر نسبت به محیط زیست به طور فزاینده‌ای در متون حقوق بین‌المللی عمومی آشکار می‌شود، مانند معاهده قطب جنوب در سال ۱۹۵۹ که به موجب آن همه فعالیت‌های هسته‌ای در ششمین قاره جهان منع می‌گردد و اقدامات حفاظتی در خصوص جانوران و گیاهان در این قاره مورد قبول واقع می‌شود. معاهده دیگر در سال ۱۹۶۷ راجع به فضای ماورای جو اصول حاکم بر فعالیت کشورها را زمینه‌اکشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو از جمله ماه و سایر اجرام آسمانی اعلام می‌کنند و می‌گویند دولت‌ها باید از آلودگی زیان‌آوری که موجبات تاثیر بر کره زمین را فراهم می‌کند یا از تولید موادی که به زمین صدمه می‌زند اجتناب کنند (کولایی، ۱۳۸۵).

در کنار این تحول تاریخی رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی به طور تصاعدی اصول پایه‌ای حاکم بر کوچکترین بخش‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست را راجع به آلودگی‌های فرامرزی بنیان نهاد. اولین آنها رای داوری است راجع به خسارتی که کارخانه ذوب فلز مس در سرزمین کانادا به کشاورزان آمریکایی وارد می‌سازد (تریبل اسمل تر) که اعلام می‌دارد: هیچ دولتی حق ندارد از سرزمین خود به نوعی استفاده کند و یا اجازه استفاده از آن را به گونه‌ای بدهد که در نتیجه آن با نشر گازهای آلوده‌کننده باعث خسارت به سرزمین دولت دیگری که اموال اشخاص در آن قرار دارد بشود. در ۱۹۴۹ رای دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه در قضیه تنگه کورفو اعلام می‌کند که: هیچ دولتی در استفاده از سرزمین کشور خود حق ندارد به دیگر دولت‌ها صدمه وارد کند. باز اخیراً در سال ۱۹۹۶ رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری وجود الزامی همگانی را برای دولت‌ها به رسمیت می‌شناسد که در نتیجه آن دولت‌ها باید تضمین کنند که اعمال انجام شده در داخل محدوده قلمرو قضایی آنها موجب صدمه به محیط زیست تحت کنترل دیگر کشورها یا عرصه‌های ماورای محدوده علمی آنها نگردد.

کنفرانس استکهلم:

این کنفرانس جهانی به ابتکار سازمان ملل متحد از تاریخ ۵ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد و بزرگترین کنفرانس بین‌المللی است که تا این تاریخ تشکیل شده بود و در آن بیش از ۶۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۳ کشور به همراه نمایندگان از سازمان‌های بین‌المللی و ناظرانی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی شرکت داشته‌اند در این کنفرانس اعلامیه محیط زیست بشر که تنظیم‌کننده اصولی است که حقیقتاً راهنمای عملی در طول دو دهه در سراسر جهان به شمار می‌آید به تصویب رسید بعد از این کنفرانس روند توسعه حقوق محیط زیست در مرحله

نخست موارد معینی از موضوعات محیط زیست را طرح می‌کند و اسنادی با برد بین‌المللی مورد تصویب قرار می‌گیرد موضوعات مطروحه عبارتند از: اقیانوس‌ها، آبهای زیرزمینی، هوا، خاک و حیات وحش و به همین ترتیب این روند توسعه در قلمرو قانون‌گذاری داخلی در بیشتر کشورها تسری می‌یابد و مقررات خاصی هم از سایر مسائل محیط زیست در مرتبه بالاتری در یک قالب کلی تر وضع می‌شود (کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۰).

منشور جهانی طبیعت

قبل از هرچیز به طور خلاصه باید گفت از جمله اسنادی که به طور موثر روند توسعه گسترده حقوق بین‌الملل محیط زیست را فراهم می‌کند و پایه‌های ذهنی و عقلانی بنیادی حفاظت محیط زیست را به طور خیلی جدی بعد از اعلامیه استکهلم مطرح می‌کند منشور جهانی طبیعت است که رسماً به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۸ اکتبر سال ۱۹۸۲ تصویب و اعلام شد. این منشور پیش‌بینی می‌کند که مقررات اجرایی باید در جهت حفاظت از طبیعت بکار گرفته شود، به ویژه در رابطه با مسائل اجتماعی و برنامه‌ریزی اقتصادی تاکید می‌شود که باید از این ابزارها استفاده گردد.

کنفرانس ریو:

مبدا اصلی کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه به گزارش رونت لند بر می‌گردد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را تصویب می‌کند و براساس آن تصمیم می‌گیرد که در سال ۱۹۹۲ کشورهای جهان را به کنفرانس جهانی به نام محیط زیست و توسعه دعوت نماید. قبل از انجام آن بنا به مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمیته مقدماتی با شرکت اعضای ملل متحد شامل هیات‌های نمایندگی از دولت‌ها به خصوص کارشناسان رشته‌های مختلف تشکیل می‌گردد کمیته مقدماتی در سه نشست بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ مشکلات را بررسی می‌نمود و جلسه نهایی کمیته به دو از مذاکرات رسمی تشکیل شود. در این کنفرانس حدود ۱۰۰۰۰ نفر شرکت کننده شامل سران دولتها به همراه نمایندگان دولتها، نمایندگان غیردولتی معتبر و روزنامه نگارها حضور یافتند یکی از اسناد این کنفرانس شامل اعلامیه محیط زیست و توسعه و یک برنامه عملی است که معروف به دستور کار ۲۱ می‌باشد. اصل چهارم این اعلامیه مهم تلقی می‌شود در انجایی که می‌گوید: دولتها برای دستیابی به یک توسعه پایدار باید از حفاظت از محیط زیست را بعنوان جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه تلقی نمایند و نیاید آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهند (قاسمی، ۱۳۸۱).

در پایان باید گفت نقش نمایندگان افکار عمومی و پدیدار شدن آنها به عنوان بازیگران جدید توانمند در فرآیند وقوع مقررات بین‌المللی که در طول جریان تدارک کنفرانس ریو و مذاکره در خصوص پیمان‌هایی از قبیل حفاظت لایه ازن به خوبی نمایان است آنها بعنوان متخصصین در جهت تکمیل رژیم حقوقی محیط زیست جهانی و همچنین شرکت در مذاکرات مجامع مختلف بین‌المللی چه در مقام محرک اولیه و چه ابزار اطلاعات علمی و حتی گاهی با تهیه پیش‌نویس توافق‌نامه‌های مهم بین‌المللی و حتی در هنگام لزوم، حضور به هم‌رسانی به عنوان هیات نمایندگی رسمی دولت و شرکت در اجلاس‌ها گام بر می‌دارند. کامل کردن رابطه محیط زیست و توسعه در مفهوم جدید توسعه پایدار به رسمیت شناخته شده است به موجب دو سند غیرالزام آور اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ که بر

قوام و قدرت قانونی کامل بخشیدن به حقوق بین الملل محیط زیست تاثیر داشته، از نتایج کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه است. به دنبال آن در اثر پافشاری شورای حکام یونپ توسعه بیشتر حقوق بین الملل محیط زیست را در هدف توسعه پایدار تصویب نموده است. افزایش رو به رشد اسناد حقوق بین الملل محیط زیست و تحریک بازیگران اصلی (دولتها و سازمان‌های بین المللی) به قبول مسئله با تعهدات زیست محیطی بین المللی همراه بوده است. روشهای قدیم و جدید در حد اطمینان بخشی صدور و دستور مراقبت را مبنی بر اجرای الزامات در این حوزه، در بر دارد (علوی، ۱۳۷۸).

اولین منبع حقوق بین الملل محیط زیست، «هنجارهای قراردادی» است که اکنون تعداد آنها در این زمینه بیشتر از یک هزار می‌باشد، اگرچه بسیاری از موافقتنامه‌ها صرفاً مفاد کمی را در ارتباط با محیط زیست در بر دارند. ماده ۲ (ردیف الف بند ۱) کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در خصوص حقوق معاهدات، «معاهده» را اینگونه تعریف می‌کند: «یک توافق بین المللی منعقد شده میان دولت‌هاست که بصورت کتبی تنظیم شده و مشمول حقوق بین الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا چند سند مرتبط به هم باشند». این تعریف کلیه موافقتنامه‌های بین المللی که سازمانهای بین الدولی یا غیردولتی عضو آنها هستند، همچنین موافقتنامه‌هایی که توسط کارگزاریهایی داخلی (برای مثال مقامات بندر یا ادارات گمرک) منعقد می‌شوند که دولتها را متعهد نمی‌کنند را در بر نمی‌گیرد؛ اما تمام این نهادها به نحو فزاینده‌ای با قصد همکاری، براساس هنجارهای مورد توافق، برای حمایت از محیط زیست موافقتنامه‌هایی را منعقد می‌کنند (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱).

حیطه جغرافیایی معاهدات زیست محیطی به میزان گسترده ای متفاوت است. پاره ای از اسناد دربرگیرنده هنجارهایی هستند که ناظر بر کل جامعه بین المللی می‌باشند. برای مثال بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل اول کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ مربوط به حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین المللی، دولتها را، در چنین مخاصماتی از بکارگیری شیوه‌ها یا ابزارهای جنگی که برای آسیب شدید، بلندمدت و گسترده به محیط زیست طبیعی برنامه‌ریزی شده یا انتظار می‌رود که چنین باشد، منع می‌کند. کنوانسیونهای لندن ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ در خصوص آلودگی دریاهای آزاد و نیز مقررات CITES در مورد تجارت بین المللی گونه‌های در معرض انقراض، به طور مشابه به مشکلات جهانی می‌پردازند. درحقیقت یک چارچوب جهانی گسترده حقوق بین المللی برای ۴ بخش «سنتی» محیط زیست یعنی آب، خاک، فضا و تنوع زیستی ایجاد شده است.

اصول و هنجارهای پذیرفته شده برای کل جامعه ملل، آنگونه که در زمینه حقوق بشر تجربه شده است، هنگامی که در سطح منطقه ای اعمال و اجرا می‌شوند، اغلب مؤثرتر می‌باشند. هدف برنامه محیط زیست ملل متحد^۱ اینست که حقوق بین الملل محیط زیست را در سطوح منطقه ای از طریق کنوانسیونهای مربوط به مناطق دریایی مختلف در سراسر کره زمین، منجمله مدیترانه، خلیج فارس، آفریقای غربی، اقیانوسیه جنوب شرقی، دریای سرخ، خلیج عدن، کارائیب و آفریقای شرقی بکار گیرد. این کنوانسیونها بر همان اصول متکی هستند و به طور کلی همان هنجارها را

پذیرفته اند و اغلب اصول و هنجارهایی را که قبلاً در اسناد جهانی به روشنی بیان شده‌اند، از جمله پاره ای از آنها که هنوز لازم الاجرا نمی‌باشند را در برمی‌گیرند (بیگزاده، ۱۳۸۲).

انگیزه رهیافت منطقه ای اغلب بواسطه شباهت جغرافیایی و محیط زیستی میان کشورهای همسایه و هم مرز با دریاهای منطقه ای ایجاد می‌شود و در بسیاری از موارد بواسطه شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مشابه ارتقاء می‌یابد. همزمان، موافقتنامه‌های مزبور، شرایط اقلیم شناختی (اکولوژیکی) متفاوتی را در دریاهای منطقه ای می‌توانند و در عمل مدنظر قرار می‌دهند. به غیر از برنامه نظام‌مند دریاهای منطقه ای یونپ، مشکلات زیست محیطی خاص مناطق با جغرافیای محدود معمولاً به نحو بهتری توسط تعداد کمی از دول متأثر کنترل می‌شوند. مبارزه با آلودگی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و کاهش گونه‌های بومی گیاهان و جانوران بومی منطقه‌ای، ماحصل تلاش سازمانهایی همچون شورای اروپا یا سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ است که مرتباً اقدام به تحول در راه‌حل‌های قراردادی برای حل این مشکلات میان دول عضو می‌نمایند. علاوه براین، روند مزبور که در راستای حمایت از اکوسیستم می‌باشد، رهیافتی کلی نگر نسبت به مشکلات یک فضای ژئوفیزیکی منفرد را امکان پذیر می‌سازد.

معاهدات زیست محیطی علیرغم تنوع موضوعی و قلمروی جغرافیایی آنان، دارای خصوصیات مشترکی بوده و از فنون حقوقی مشابه استفاده می‌نمایند و اغلب نیز به هم مرتبط می‌باشند. ویژگیهای عمده آنان به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱ - عدم وجود معامله به مثل در تعهدات، ۲ - مواد مرتبط به هم یا ارجاعی از یک سند به سندهای دیگر، ۳ - موافقتنامه‌های ساختاری، ۴ - کاربرد موقتی مکرر، ۵ - ایجاد نهادهای جدید یا تسهیل نهادهای موجود یا پیشین جهت ارتقاء همکاری مداوم، ۶ - آئین و شیوه‌های ابداعی مربوط به پایبندی و عدم پایبندی، ۷ - ابزارهای تسهیلی برای جرح و تعدیل یا اصلاح.

در واقع دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را می‌توان دوره‌های بیداری بشر در زمینه محیط زیست او دانست. البته این به معنی نادیده گرفتن فعالیت‌های انجام شده تا پیش از آن نیست. ولی نهضت محیط زیستی و توسعه حقوق بین‌الملل در این زمینه نمایان گر توجه خاص و احساس نگرانی در خصوص مسائل محیط زیستی در این دوره است. منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست مطابق با بند ۱ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، (ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری) همان منابع سنتی یعنی معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی، رویه قضایی و دکترین می‌باشد. (تقی زاده، انصاری، مصطفی، پیشین، ص ۱۵۸) بدون تردید در زمینه هریک از منابع مذکور، اطلاعات و سوابقی موجود می‌باشد اما جدید بودن موضوع از طرفی و اقبال عمومی به سوی برخی از منابع از سوی دیگر، مجالی به ایجاد عمق و همگنی در منابع نداده است. مثلاً عرف و مقررات عرفی در وقوع و بروز برخی مسائل دامنه گسترده ای را به خود اختصاص نداده که البته هرگز به معنای نادیده انگاشتن اهمیت و نقش آن نیست. همچنان که مطابق با یک قاعده عرفی تأثیرگذار، دولت‌ها موظفند تا از قلمرو خود به گونه ای استفاده کنند که منجر به صدمه زدن به قلمرو سایرین نگردد.

لیکن بنا به نظر برخی دولت‌ها و صاحب نظران، حقوقی عرفی بسیار کندتر از آن است که بتواند پاسخگوی تحولات سریع و فوریت‌های اقدام در این زمینه باشد. شاید این برداشت را که قواعد قراردادی بعضاً پیش‌تر از عرف در حال شکل‌گیری هستند بتوان صحیح تلقی کرد؛ مانند آن که هنگام تصویب مفاد یک کنوانسیون یا پس از آن، این قواعد به سرعت جایگاه خود را در قوانین بسیاری کشورها باز می‌کنند که می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر قراردادهای در جلب توجه نسبت به این موضوع باشد. به بیانی دیگر می‌توان چنین گفت که عرف در این حوزه با کمک قرارداد در حال شکل‌گیری است (تقی زاده انصاری ۱۳۸۴). با توجه به این که توسعه سایر منابع نیز رشدی بیش‌تر از عرف را نشان نمی‌دهد، باید گفت منابع مدون قراردادی حقوق بین‌الملل در این زمینه از قابل توجه‌ترین آنها محسوب می‌شود. حقوق بین‌الملل محیط زیست شامل تعداد زیادی معاهدات بین‌المللی، قطعنامه‌های الزام‌آور سازمان‌های بین‌المللی و همچنین متون و قطعنامه‌های غیرالزام‌آوری است که به رغم غیرالزام‌آور بودن حائز اهمیت هستند. معاهدات بین‌المللی در این زمینه خصوصاً از پایان دهه ۷۰ به بعد افزایش چشمگیری داشته که شاید شمار آن به بیش از ۳۰۰ معاهده برسد که تمام یا بخشی از آن به محیط زیست مربوط شده است. البته معاهدات دو جانبه را نیز باید به این تعداد افزود. (همان، صص ۲۳-۲۱). قطعنامه‌های الزام‌آور که صدور آنها از جمله صلاحیت‌های سازمان‌های بین‌المللی است و قطعنامه‌های غیرالزام‌آور را نیز باید افزود و از آنجا که تمام سازمان‌ها یا کنفرانس‌های جهانی می‌توانند چنین قطعنامه‌هایی صادر کنند و ایجاد تعهدی هم‌نکنند بر خلاف مورد پیش‌تعداد آنها بسیار است. این قطعنامه‌ها به لحاظ محتوی سه قسمند: قطعنامه‌های توصیه‌ای که شامل تعلیماتی است برای کشورهای عضو به جهت یادآوری چگونگی اجرای تعهداتشان، قطعنامه‌های دربرگیرنده اعلامیه‌های اصولی که خطوط کلی را برای دولت‌ها ترسیم می‌کند و هدفش این است که ضمن ایجاد قواعد تازه حقوق بین‌الملل، در ضمن معاهدات الزام‌آور گنجانده شود و قطعنامه‌های حاوی برنامه عمل که کارهایی را که باید انجام شود معین می‌کند. در میان اعلامیه‌های اصولی باید از اعلامیه استکهلم به عنوان کامل‌ترین و اساسی‌ترین متون مربوط به حقوق بین‌الملل محیط زیست نام برد که اغلب سازمان‌ها عمده فعالیت‌های خود را با اقتباس از اصول این اعلامیه آغاز کرده‌اند.

در واقع کنفرانس انسان و کره مسکون استکهلم به عنوان مهم‌ترین کنفرانس جهانی نقطه عطفی در توجه به مسائل مربوط به محیط زیست است که تدوین آن از دهه ۵۰ آغاز شده بود و در ۱۹۷۲ با حضور تعداد کثیری از کشورهای جهان ابعاد جهانی یافت (حجتی‌اشرفی، ۱۳۸۶).

به دنبال این کنفرانس، شالوده یک برنامه انعطاف‌پذیر ولی مداوم با عنوان "برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد برای محیط زیست" ریخته شد که به عنوان مهم‌ترین دستاورد آن همایش، هماهنگی فعالیت‌های مربوط به مسائل محیط زیستی را بر عهده دارد و هدفش حفظ و تأمین محیط زیست انسان و تضمین حق بشر برای داشتن محیطی سالم و هم‌چنین ترغیب حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به همکاری در زمینه کنترل آلودگی ناشی از فعالیت‌های بشری و توسعه قوانین بین‌المللی برای جبران خسارت ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست در مرزها و مناطق مشترک بین دول است. کنفرانس استکهلم به دلیل رسمی بودن و به این دلیل که نخستین نشست فراگیر جهانی در این زمینه است از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. عمدتاً کنوانسیون‌های جدی و مهم در

این زمینه، پس از این کنفرانس استکلهم رو به فزونی گذاشته است (به عنوان مثال نخستین کوشش بین‌المللی در مبارزه با آلودگی دریاها در ۱۹۲۶ طی کنفرانسی در واشنگتن برای ایجاد هماهنگی بین دولتها آغاز شد ولی تصمیمات آن حتی به وسیله آمریکا که خود مبتکر این کنفرانس بود به تصویب نرسید. این کنفرانس به دلیل خطر رو به رشدی که محیط زیست با آن روبروست با درک اهمیت این موضوع در پیشنهاد ۱۳۸ ماده ای اش چنین آورد که: دولتها باید مناطقی را که معرف اکوسیستم‌های با اهمیت بین‌المللی هستند، تحت یک موافقت‌نامه بین‌المللی به منظور حفاظت قرار دهند.

ماده اول اعلامیه نشست استکلهم با قرار دادن حق انسان‌ها به داشتن محیط زیست سالم در کنار آزادی و برابری، آن را صراحتاً از مصادیق حقوق بنیادین قلمداد می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد انسان برای داشتن آزادی و برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی توأم با سعادت را بدهد از حقوق بنیادین برخوردار است. به موجب این اعلامیه، انسان‌ها رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط زیست را برای نسل‌های حاضر و آینده بر عهده دارند و از این تاریخ به بعد حق بر محیط زیست سالم در اسناد بین‌المللی مختلف مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد اهمیت توجه به این موضوع به صراحت در سایر اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته که از آن جمله: اصول ۱۴ تا ۲۴ منشور جهانی طبیعت مصوب ۲۷ اکتبر مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تعیین وظایف و تکالیف دولتها و نهادهای دولتی و نیز گروه‌های انسانی، به نحوه انجام و اجرای اصول مربوط به حق محیط زیست اختصاص یافته است. اصول ۱ تا ۱۰ اعلامیه ریو (۱۹۹۲) حاوی قواعد مشابهی است. اصل ۱۰ اعلامیه ریو به عنوان تمهیدی برای شناخت محتوای حق بر محیط زیست از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این اصل مسایل مربوط به محیط زیست با مشارکت کلیه شهروندان ذی ربط در سطحی مطلوب، لازم و ضروری شمرده شده است. (همان، ص ۱۰۰) همچنین می‌توان کنوانسیون ۱۹۹۸ دانمارک را به عنوان اولین سند لازم الاجرا در قلمروی بین‌المللی در خصوص دسترسی عمومی به اطلاعات زیست محیطی نام برد (دبیرسیاکی، ۱۳۸۳).

اسناد، اصول و کنوانسیون‌های زیر به عنوان نمونه‌های مهم دیگری در این زمینه قابل اشاره می‌باشند: کنوانسیون‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ لندن، اولی مربوط به پیش‌گیری از آلودگی ناشی از ته‌نشینی، زایدات در دریا و دومی مربوط به آلودگی دریا به وسیله کشتی‌ها. کنوانسیون ۱۹۷۹ بن در مورد حفاظت از نسل حیوانات وحشی، کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل (۳) در مورد کنترل حمل و نقل زایدات خطرناک بین کشورها، کنوانسیون ۱۹۸۰ کانبارا در مورد حفظ منابع زنده دریایی قطب جنوب، کنوانسیون ۱۹۹۶ لندن در مورد مسئولیت و پرداخت غرامت در قبال خسارات ناشی از حمل مواد خطرناک و مضر به وسیله دریا، قطعنامه ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان ضرورت تضمین محیط زیست سالم برای بهزیستی هر فرد، اصول مصوب کنفرانس وزرای اتحادیه اروپا ۱۹۹۵، اولین سند منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱، (ماده ۴ آن اعلام می‌دارد کلیه اقوام حق دارند از محیط زیستی رضایت بخش و جامع و مناسب برای توسعه خود برخوردار باشند). پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۹۸. در ماده ۱۱ آن آمده است: هر فرد حق دارد در محیط زیست سالم زندگی کند و از خدمات عمومی اساسی برخوردار گردد (سعیدینیا، ۱۳۷۹).

از دهه ۱۹۷۰، به بعد حق بر محیط زیست سالم در قوانین اساسی بسیاری از کشورها شناسایی و مورد حمایت قرار گرفته است (نمونه‌های آن ماده ۳۰ قانون اساسی ۱۶ آوریل بلغارستان ۱۹۷۱- ماده ۵۷ قانون اساسی ۱۹ آوریل ۱۹۷۲ مجارستان- ماده ۶۶ قانون اساسی ۲۱ فوریه ۱۹۷۴ یوگسلاوی سابق- ماده ۲۴ قانون اساسی ۹ ژوئن ۱۹۷۵ یونان- ماده ۶۶ قانون اساسی ۲۱ آوریل ۱۹۷۶ پرتغال- ماده ۱۸ قانون اساسی ۱۴ اکتبر ۱۹۷۷ شوروی سابق. ماده ۱۱ قانون اساسی ۵ مارس ۱۹۷۸ جمهوری خلق چین- ماده ۱۲ قانون اساسی ۱۰ فوریه ۱۹۸۶ لهستان- ماده ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

در حوزه اسناد حقوق بشر نیز مباحث محیط زیستی با وجود جوان تر بودن موضوع از جایگاه ویژه ای برخوردار است. حقوق بشر با اصطلاح امروز بینش سابقه ای کوتاه دارد، اولین اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ منتشر شد. حقوق بشر در طول حدود ۵۰ سال در زمینه‌هایی مختلف توسعه یافته است. تمامی اسناد منتشره در سه گروه طبقه بندی شده اند شامل: نسل اول حقوق بشر شامل حقوق سیاسی، نسل دوم حقوق بشر شامل حقوق مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نسل سوم حقوق بشر شامل حقوق و توسعه و محیط زیست.

اعلامیه حقوق بشر در واقع سنگ زیرین حقوق بشر امروز به شمار می آید. این اسناد برای کشورهای بی که آن را تصویب کرده اند لازم اتباع و الزام آورند. کشورهای عضو این معاهدات اعلام موافقت کرده اند تا از مواد آنها پیروی نموده و حقوق داخلی خود را مطابق آنها تغییر دهند و به صورت دوره ای از روند اجرایی و اقداماتی که در راستای پیروی از این اسناد انجام داده اند گزارش دهند. بیانیه‌های دو کنفرانس استکهلم و ریو هم چنین از منابع حقوق محیط زیست بشر محسوب می شوند. در کنار این دو بیانیه، اسناد دیگری هم درباره حقوق توسعه و محیط زیست بشر دارای اهمیت هستند از جمله: گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه تحت عنوان آینده مشترک ما (۱۹۷۸) که در ۲۲ اصل برای حمایت از محیط زیست پایدار راهکارهای اجرایی و قانونی پیشنهاد کرده است، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲) مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، دستور کار ۲۱ برای توسعه پایدار، اسناد کمیسیون محیط زیست و توسعه شامل گزارش‌های پیگیری اجرای تصمیمات ملی، منطقه ای و بین المللی و سایر اسنادی که به وسیله این کمیسیون تهیه می شود. این گونه اسناد اگر چه جنبه الزام آور ندارند لیکن از این جهت که زمینه ساز تهیه پیش نویس معاهده درباره حقوق محیط زیست به شمار می آیند واجد اهمیت هستند (طباطبایی، بی تا).

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

برای اولین بار در جهان مسئله میراث مشترک بشریت در ۱۷ اوت ۱۹۶۷ توسط نماینده کشور مالت دکتر آروید پارو مطرح گردید و خواستار آن شد تا منابع بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوس‌ها میراث مشترک بشریت محسوب شوند. این پیشنهاد مورد پذیرش جامعه جهانی قرار گرفت. سال‌ها بعد همین کشور مالت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیش نویس قطعنامه ای با عنوان حفاظت از آب و هوا به عنوان میراث مشترک بشریت ایراد نمود و بدین ترتیب این موضوع در حقوق بین الملل جایگاهی ویژه پیدا کرد. چنانکه در بسیاری از کنوانسیون‌ها مفهوم میراث مشترک بشریت قید گردید که از آن جمله می توان به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها اشاره کرد که در مواد ۱۳۶ و ۱۴۰ از منابع بستر و زیر بستر اقیانوس‌ها به عنوان میراث مشترک بشریت اشاره شده است. همچنین در

قطعه‌نامه ۱۹۵۸ سازمان ملل متحد که در مورد حقوق بین‌الملل هوا و فضا، فضا و من جمله کره ماه جزء میراث مشترک بشریت قلمداد شده است، این تالش‌ها بیانگر رابطه محکمی است که بین محیط زیست و میراث مشترک بشریت وجود دارد زیرا همان طور که بستر دریاها و اقیانوس‌ها قاره جنوبگان و منابع موجود در ماورای جو متعلق به نسل حاضر و آینده است و باید طوری از آن بهره برداری شود که حیات نسل حاضر و آینده به خطر نیفتد، استفاده از محیط زیست هم باید اینگونه باشد، زیرا آلوده کردن، تخریب و نابودی محیط زیست هم تهدید کننده حیات نسل حاضر و هم نسل‌های آینده خواهد بود.

از آغاز دهه ۱۹۷۰ تعداد فزاینده‌ای از معاهدات بین‌المللی با شیوه‌های چند مرحله‌ای مورد تصویب قرار گرفته‌اند. فن «کنوانسیون‌های ساختاری» به این معنی است که کنوانسیون‌هایی که با گستره‌ای کلی مورد تصویب قرار می‌گیرد، اصول بنیادینی را اعلام می‌کند که بر آنها رضایتمندی حاصل است. اعضاء آن، جزئیات پروتکل‌های الحاقی را که شامل مشروح تعهدات می‌باشند، پیش‌بینی می‌کنند. این شیوه برای نخستین بار در موافقتنامه‌های دریاهای منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفت و با کنوانسیون ۱۹۷۶ حمایت از دریای مدیترانه در مقابل آلودگی آغاز شد. کنوانسیون‌های دریاهای منطقه‌ای، اصول بنیادینی را بیان می‌کنند که اعضاء متعاقد بکار می‌گیرند. مشروح مقررات در پروتکل‌های الحاقی اعلام می‌شود، پاره‌ای از آن‌ها همزمان به عنوان سند اصلی امضاء می‌شوند. به جزئیات مابقی آنها بعداً پرداخته می‌شود. غالب نظام‌های معاهداتی دریاهای منطقه‌ای در برگیرنده طرح‌های توسعه‌ای برای منطقه مربوطه است.

کنوانسیون ژنو ۱۹۷۹ در خصوص آلودگی فرامرزی طولانی مدت هوا، در یک قلمروی متفاوت، ساختاری حقوقی را برای مذاکرات بعدی ایجاد نمود. کنوانسیون مزبور با مجموعه‌ای از پروتکل‌هایی که محتوای مشروح تعهدات کلی مندرج در معاهده اصلی را تشکیل می‌دهند، تکمیل شده است. کنوانسیون ۱۹۸۵ برای حمایت از لایه اوزون [۲۶] و پروتکل مونترال نیز از این الگو پیروی می‌نمایند. در میان متن‌های کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه، کنوانسیون ساختاری راجع به تغییرات آب و هوایی، این رویکرد را پذیرفته است. به طور کلی موافقتنامه‌های ساختاری این مزیت را دارند که در آنها اجماع بر اصول بنیادی و بر ضرورت اقدامی که دنبال خواهد شد، آسانتر صورت می‌گیرد تا اجماع بر جزئیات خود آن اقدام که اغلب یک ویژگی فنی دارد. مذاکرات بیشتر می‌تواند این تدابیر را با همکاری دانشمندان، نمایندگان شرکت‌های اقتصادی و جامعه مدنی روشن سازد. همچنین اصول جدیدی را می‌توان پذیرفت، همانگونه که برای نمونه در پروتکل مونترال در مورد حمایت از لایه اوزون آورده شده، نشان می‌دهد که کشف «سوراخ» لایه اوزون در بالای قطب جنوب پس از تصویب کنوانسیون وین بوده است. چنین تغییراتی در دانش و حتی مفاهیم بنیادی، معاهدات ساختاری را به نحو ویژه‌ای با ضرورت‌های حفاظتی زیست محیطی سازگار می‌سازد.

تکلیف به جرم‌انگاری در قوانین داخلی نیز از مقدمات موثر تکوین حقوق بین‌الملل کیفی است. این دسته از جرائم که از آنها می‌توان به عنوان جنایات شدید دارای اهمیت بین‌المللی یاد کرد. جرائمی هستند که بطور کلی در حقوق بین‌الملل جنایت شناخته شده‌اند، بی‌آنکه دولت‌ها با قرار دادن آنها در چارچوب صالحیت جهانی موافقت کرده

باشد. دولتها در بیش از شش کنوانسیون بینالمللی به صراحت، تکلیف جرمانگاری را برای نقض مقرراتشان در نظر گرفته و در این راستا عمل نقض پارهای از تعهدات زیست محیطی را «جنایات شدید دارای اهمیت بینالمللی» دانسته‌اند که ذیال به مقررات مرتبط با این کنوانسیون‌ها پرداخته می‌شود.

۱- کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از ریختن زایدات و دیگر مواد مصوب ۲۹ دسامبر ۱۹۷۲ ماده ۷ این کنوانسیون در مقام احصای تکالیف دولتهای عضو برای تضمین اجرای مقررات کنوانسیون طی بند ۲ و به صراحت به تکلیف دولت برای مجازات ناقضین مقررات کنوانسیون در داخل دولتهای عضو اشاره نموده است. پر واضح است که پیش شرط ادای چنین تکلیفی، جرمانگاری نقض مقررات کنوانسیون حقوق داخلی دولتهای عضو میباشد. به موجب این بند ۲ هر دولت عضو در سرزمین خود اقدامات مقتضی برای جلوگیری و مجازات رفتارهای مغایر با مقررات این کنوانسیون را اتخاذ خواهد کرد.

۲- کنوانسیون پاریس در خصوص جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از منابع مستقر در خشکی مصوب ۴ ژوئن ۱۹۷۴

این کنوانسیون که در مارس سال ۱۹۸۶ با الحاق پروتکلی اصلاح شده است. در بند یک ماده ۱۲ خود دولتهای عضو را مکلف به تضمین رعایت مقررات خود از طریق اتخاذ اقدام پیشگیرانه و مجازات متخلفین می‌کند. ۱- کلیه دولتهای عضو متعهد می‌شود که اعمال مقررات این کنوانسیون را تضمین نموده و کلیه تدابیر مقتضی را برای پیشگیری و مجازات رفتارهای مغایر مقررات این کنوانسیون را اتخاذ نمایند. ۲- دولتهای عضو، کمیسیون را از اقدامات اداری و قضائی اتخاذی که برای اجرای مقررات بند فوق مطلع خواهند کرد

۳- کنوانسیون راجع به جلوگیری از آلودگی دریایی، ناشی از کشتی‌ها (مارپل) مصوب ۱۹۷۳ ماده ۴ این کنوانسیون با عنوان «تخلفات» چنین مقرر می‌کند. ۱- هر نقض مقررات اساسی این کنوانسیون بایستی ممنوع و مطابق قوانین دولتی (حکومت کشی صاحب پرچم) که در آن ارتکاب می‌شود، مجازات گردد. اگر دولتی از چنین نقضهایی مطلع شده و نسبت به وجود اسنادی مکفی برای تعقیب نقض‌های مذکور قانع شود آن باید در اسرع وقت مطابق با قوانین خودش اقدام به تعقیب نماید.

۲- کلیه نقضهای این کنوانسیون که در صلاحیت دولت عضو ارتکاب می‌شود، باید مطابق با قوانین دولت مذکور ممنوع و مجازات شود. هر جایی که چنین نقضی صورت پذیرد دولت عضو باید: الف- مطابق قوانین داخلی خودش اقدام به تعقیب متخلفین نموده؛ ب- برای حکومت کشور صاحب پرچم اطلاعات و مدارک الزمی را که در اختیار دارد تهیه و ارسال نماید. ۳- مهمترین انتقاد وارده بر این کنوانسیون که منتهی به تشکیل یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی یعنی بازل بان شده است. از این رو کنوانسیون به جای ممنوعیت کامل رفع انتقال مواد زائد به محدودیت و کنترل آن بنده نموده است.

۴- کنوانسیون تجارت بینالمللی گونه‌های حیوانات و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی مصوب ۱۹۷۳ معروف به CITES

این کنوانسیون که برای تضمین بقای آن دسته از گونه‌های گیاهی و جانوری که در معرض انقراض میباشند تصویب شده، دولتهای عضو خود را از مکلف به مجازات کردن نقضهای مقررات خود کرده است. زیر بند الف) بند یک

ماده ۸ این کنوانسیون در این خصوص چنین مقرر می‌دارد کلیه دولت‌های طرف این کنوانسیون اقدامات الزم را برای اجرای مقررات این کنوانسیون و جلوگیری از تجارت گونه‌ها بر خلاف مقررات آن معمول خواهند داشت. این اقدامات عبارت خواهند بود از: قابل مجازات دانستن تجارت یا مالکیت این گونه‌ها

۵- کنوانسیون بازل در خصوص کنترل انتقادات فرامرزی موادم زاید زیانبخش و دفع آنها با وجود انتقادات وارده بر کنوانسیون بازل، این کنوانسیون را باید از جمله مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی حفاظت از محیط زیست به شمار آورد. تلاش این کنوانسیون بر آن است که تا حد ممکن از انتقال و دفع فرامرزی ضایعات و مواد زاید زیانبخش علیه محیط‌زیست و بشر جلوگیری کرده و یا آثار ضد زیستی و بشری چنین خسارتی را بکاهد در این راستا بند ۵ ماده ۹ کنوانسیون، دولت‌های عضو را مکلف به مجازات اعمال غیر می‌کند: هر عضو کنوانسیون باید مقررات ملی مناسبی به منظور جلوگیری از انتقال غیر قانونی زباله یا مجازات این اعمال وضع نماید. اعضای کنوانسیون باید در جهت تحقق این ماده با یکدیگر همکاری نمایند.

۶- کنوانسیون باماگو در خصوص کنترل انتقادات فرامرزی و مدیریت مواد زاید زیان بخش در آفریقا مصوب ۱۹۹۱ کنوانسیون باماگو به مانند و با تاسی از کنوانسیون بازل، دولت‌های عضو را مکلف به وضع قوانین کیفری در رعایت مقررات کنوانسیون نموده است. بند ۲ ماده‌های ۹ این کنوانسیون با عنوان نقل و انتقال غیر قانونی چنین مقرر دارد: ۲ - هر دولت عضو باید قوانین ملی مناسبی را برای اعمال مجازات‌های کیفری علیه کلیه اشخاصی که چنین واردات غیرقانونی را برنامه ریزی، ارتکاب یا معاونت می‌کنند، وضع نماید. این مجازات‌ها باید به اندازه کافی شدید باشند تا از ارتکاب اعمال مذکور را مجازات و ارعاب نمایند.

منابع

- افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۸۴)، تحول حقوق محیط زیست در عرصه بین‌الملل، مجموعه، تهران: مقالات همایش حقوق محیط زیست، بخش بین‌الملل سازمان محیط زیست.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۶۴)، تکنولوژی و بحران محیط زیست، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- آقایی، بهمن (۱۳۷۴)، حقوق بین‌الملل دریاها و مسائل ایران، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- براون، لستر و همکاران (۱۳۷۵)، نگاهی به وضعیت جهان، ترجمه حمید طراوتی، تهران: نشر آروین.
- برخوردار، بنفشه (۱۳۸۷)، شناخت محیط زیست، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- بهرام‌سلطانی، کامبیز (۱۳۷۱)، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (محیط زیست)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول.
- بیگزاده، صدیف (۱۳۸۲)، ارزش‌گذاری منابع زیست محیطی، نشریه پیام سبز، شماره ۲۵، انجمن مهندسين فضای سبز ایران، سال سوم.
- تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۴)، حقوق محیط زیست در ایران، تهران: انتشارات سمت.
- چرکاسووا، ماریا، اعلام خطر، پیام یونسکو، شماره دویست و شست و دوم سال بیست و سوم، بهمن ۷۱.
- حجتی‌اشرفی، غلامرضا (۱۳۸۶)، مجموعه کامل قوانین و مقررات محشای شهرداری و شوراهای اسلامی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- دبیرسیاقی، منوچهر (۱۳۸۳)، بحران محیط زیست، قزوین: انتشارات حدیث امروز.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹)، فضای سبز شهری، کتاب سبز شهرداری، جلد دوم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- طباطبایی، محمد حسین (بی‌تا)، تفسیر المیزان، تهران: نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، جلد هشتم.
- علوی، محمد یوسف (۱۳۷۸)، مبانی فقهی در زمینه محیط زیست، تهران: مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست.

- قاسمی، ناصر (۱۳۸۱)، حقوق کیفری محیط زیست، تهران: انتشارات جمال الحق.
- قوه قضائیه (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست، تهران: انتشارات برگ زیتون.
- کلارک، آر. بی (۱۳۷۹)، آلودگی دریا، ترجمه محمدعلی زاهد و زینب محمدی دشتکی، انتشارات نقش مهر، چاپ اول: تهران.
- کمیسیون ملی یونسکو در ایران (۱۳۷۰)، ترجمه فیروز ارجمند، آموزش بین المللی محیط زیست، بخش آموزش علمی، فنی و حرفه ای یونسکو، تهران: شرکت افست، چاپ اول.
- کولایی، الهه (۱۳۸۵)، اقتصاد منابع طبیعی - محیط زیست و سیاست‌گذاری‌ها، ترجمه سیاوش دهقانیان و فرخ دین‌قزلی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم.
- مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی حقوق بشر، اردیبهشت ۱۳۸۰، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- مطلبی، محمد (۱۳۸۲)، محیط زیست و حقوق بشر، نشریه پیام سبز، شماره ۲۵، انجمن مهندسين فضای سبز ایران، سال سوم.
- موحد محمد علی (۱۳۸۲)، در خانه اگر کس است، همراه با اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین الملل حقوق مدنی و سیاسی، تهران: نشر کارنامه.
- وزارت کشور (۱۳۸۷)، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، مؤسسه فرهنگی - اطلاع‌رسانی و مطبوعاتی.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۶)، جغرافیا ترکیبی نو، ترجمه دکتر شاپور گودرزی‌نژاد، انتشارات سمت، چاپ سوم.

<https://en.wikipedia.org>
<https://www.carbonbrief.org>
<https://omidrazavi.wordpress.com>

